



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز مدیر عامل: عبدالله گنجی
آدر س: تهران، خیابان شهید مطهری، تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۲۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۰۲۵-۸۸۵۴۹۷- پنج خط
توزیع عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۹، شماره: ۸۸۴۹۸۴۶۹
روز یع: شرکت نشر گستر امروز ۷۷-۷۶-۸۸۴۹۸۴۷۵
چاپ تهر ان: چاپخانه روزنامه جوان
چاپ هم‌زمان: مشهد: مجتمع چاپ و نشر روزنامه قدس

|روزنامه جوان |شماره ۴۱۱۴ | چهارشنبه ۲۹ آبان ۱۳۹۲ | ۱۶ محرم ۱۴۳۵ | اذان ظهر: ۱۱:۴۹ | غروب آفتاب: ۱۶:۵۴ |اذان مغرب:۱۷:۱۵ |نیمه شب:شهری:۲۰:۱۷|صبح فردا:۰۵:۱۷|اطلاع آفتاب:۴:۵۴ |۰۶

گزارش گروه فرهنگی

گزارش تحلیلی «جوان» از عملکرد ۱۰۰ روزه دولت در حوزه فرهنگ

غش کردن ارشاد در آغوش جریان شبه‌روشنفکری

دولت یازدهم ماه‌های ابتدایی فعالیت خود را پشت سر می‌گذارد و طبیعی است برای ارزیابی عملکرد دولت نیازمند گذر زمان باشیم اما از آنجایی که کابینه اصرار بر عملکرد ۱۰۰ روزه داشته و برخی از سیاست‌هایی که تاکنون دولت از خود نشان داده است می‌تواند در ماه‌ها و حتی سال‌های آینده نیز جاری و ساری باشد، به همین دلیل نگاه خود را معطوف به عملکرد فعلی دولت نموده‌یم. علی‌چنتی از جمله وزرایی بود که بیشترین میزان رأی اعتماد را از مجلس کسب کرد. سخنرانی روز رأی‌گیری چنتی نیز در بالا بردن آرای او بی تأثیر نبود. با این وجود علی‌چنتی به دلیل مواضعش تا حال دو بار به مجلس فرخوانده شده و در برابر نمایندگان ملت مجبور به پاسخگویی شده است. طی حدود ۱۰۰روز از آغاز فعالیت‌های دولت، حوزه فرهنگ دارای بیشترین حجم خیرسازی‌ها بوده است. تصمیم‌گیری‌های ارشاد تحت مدیریت چنتی، گاهی همراه با استقبالی، گاهی اعتراضی برانگیز و زمانی هم باعث حیرت شده است. صحبت از احیای تمدن ایرانی، اسلامی در روز رأی اعتماد، موضعی بود که با استقبال خوبی روبرو شد. اماوزیر ارشاد در برخورد با پرونده حقوقی شکایت از سازندگان فیلم‌های ضد ایرانی در هالیوود که باز خودهای بین‌المللی نیز داشت، در کمال خوسنردی آن را فاقد ارزش پیگیری دانست و کیل فرانسوی را مرخص کرد یا تعطیلی جشنواره ضد صهیونیستی «فق نو» اعتراض متفکران ضد امریکایی را برانگیخت. در این چند ماهه وزیر موضع‌گیری‌هایی داشته که هر بار با اعتراض‌هایی که صورت گرفته مجبور به اصلاح صحبت‌های قبلی خود شده است. عملکرد علی‌چنتی در مقام وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی زیر ذره بین است.



صدای پای جریان خزنده فرهنگی

هادی عسگری

وزارت ارشاد متولی و مجری سیاست‌های کلی فرهنگی دولت است. چه شرع‌های چون «اعتدال و امید» که سرلوحه فعالیت‌های دولت است؛ و چه رویکرد ذهنی و مانیفیست فرهنگی دولت یازدهم که به مرور خود را نمایان می‌کند. در حوزه فرهنگ عمومی عملکرد دولت را می‌توان در چند رخداد مورد ارزیابی قرار داد؛ اتفاقاتی که باعث شد دولت خود را مجبور به پاسخگویی کند. اولین رخداد حضور رسمی یک وزیر دولت جمهوری اسلامی در شبکه اجتماعی فیس‌بوک است؛ جواد ظریف نماینده پیشین جمهوری اسلامی ایرانی در سازمان ملل که به عنوان وزیر امور خارجه دولت یازدهم انتخاب شده است فعالیت گسترده‌ای در فیس بوک دارد به طوری که گزارش‌های فیس‌بوگی آقای وزیر شهرت جهانی پیدا کرده است. داشتن صفحه رسمی در سایتی که در ایران فیلتر شده است، چالشی بود که به مرور عادی شد. حتی متن جنینالی ظریف درباره احمدی نژاد و هولوکاست در توئیتر دیگر شبکه اجتماعی، تا مدت‌ها اعتراضاتی را به همراه داشت. حضور رسمی جواد ظریف باعث شد تا هم وزیر ارتباطات و هم وزیر ارشاد خواستار بازنگری در فیلتر ینگ این سایت شوند و در حالی است که جنت و جست‌وجویی ساده می‌توان به چندین گزارش کارشناسی درباره عواقب سوء اخلاقی و اجتماعی حضور در چنین شبکه‌هایی برخورد کرد و به هر حال وزارت ارشاد باید قبل از صحبت درباره این رفق فیلترها پاسخی هم برای پیوست فرهنگی آن داشته باشد.

حتی امنیت اطلاعات شخصی افراد نیز در فیس بوک یکی از نگرانی‌های کارشناسان است. دیگر موضوعی که باعث شد وزیر ارشاد خود را در مظان پاسخگویی ببیند، آوازخوانی زنان بود که برعکس حرمت شرعی آن، چنتی با تسامح درباره آن اظهار نظر می‌کند. این گونه اظهار نظرهای بی‌پروای علی‌چنتی از نظر برخی از کارشناسان فرهنگی ناشی از آدرس‌های فراوانی است که برخی از مشاوران پشت پرده به وزیر ارشاد می‌دهند؛ جراتی که رد پای آن را می‌توان در دولت‌های پیشین دید. از آنجایی که عقیده فکری برخی از وزرا از جمله وزیر ارشاد به دولت‌های سازندگی و اصلاحات باز می‌گردد، این امکان وجود دارد که جریان خزنده فرهنگی آن سال‌ها در حال جان‌گرفتن زیر تسامح دولت درباره آن اظهار نظر می‌کند. این گونه اظهار نظرهای بی‌پروای علی‌چنتی از نظر برخی از کارشناسان فرهنگی ناشی از آدرس‌های فراوانی است. سید محمد خاتمی است. سرمقاله جنینالی روزنامه بهار در مورد ولایت، یکی از خروجی‌های این جریان بوده، نکته‌ای که نمی‌توان آن را اتکار کرد. انتصابات مدیران فرهنگی در چند ماه اخیر خود مویلد بیل به بازگشت به دولت‌های گذشته است. به طوری که مدیرانی که این روزها در سمت‌های مختلف وزارت ارشاد مشغول به کار هستند سابقه همکاری با دولت‌های پیش از کابینه نهم را دارند. چیزی که در این میان جای تأمل دارد، واکنش کمیته پیگیری فرهنگی مجلس به رخدادهای فرهنگی عمر حدود ۱۰۰ روزه دولت است. اگر وزیر ارشاد بخواهد در آینده نیز به عنوان یک خط‌شکن فرهنگی خود را معرفی کند، قطعاً باید منتظر بر خورد قاطع مجلس باشد.

هزار وعده و یک وفای معاونت گردشگری

الناز خمامی‌زاده

حتی ضرب‌الاجل ۱۰۰ روزه دولت هم نتوانست معاونت گردشگری را از بلزخ بلاکلیفیی بیرون بیاورد. بر خلاف حوزه میراث فرهنگی و تغییر و تحولات مدیریتی در آن، حوزه گردشگری با منوجهچهر جهانیان معاونتی که از دولت دهم بر سمت وزارت ارشاد و امضای تفاهمنامه در زمینه گردشگری (که عملاً تنها در خصوص کشور تونس محقق شد)، استاندار، دسزای دفاتر خدمات مسافرتی (که به دلیل عدم وجود آیین‌نامه‌ای در این حوزه بلاکلیف است) از جمله وعده‌های بی‌سرانجام معاونت گردشگری در ۱۰۰

مفاتیح‌الحیات

خبر و فضیلت بودن مال

امام صادق (ع) می‌فرماید: کسی که گردآوری مال برای حفظ آبرو، پرداخت بدهی و صلّه رحیم از راه حلال را نمی‌پسندد، خیری در او نیست.



رسانه‌های معاند در خصوص سنت عزاداری ابا عبدالله الحسین (ع) پاسخ داده شد، برخی از این شبکه‌ها مانند شبکه وهابی «کلمه» در برنامه‌های زنده خود واکنش نشان دادند. وی با اشاره به خاستگاه اصلی شبکه وهابی «کلمه» (انگلستان) اضافه کرد: برنامه «شب آسمانی» در چند

«شب آسمانی» مدعیان وهابی را به مناظره دعوت کرد

برنامه اخیر خود با ارائه مستندهای ویدئویی مستنداتی در زمینه سنت عزاداری سیدالشهدا داشت. پیبندگان برنامه با ارسال‌های پیام‌های متعددی نسبت به اعتقادات وهابیان مطالب بسیاری ارسال کردند و همین نظرات، مخاطبان وهابیان را بر آن داشت تا در شبکه خود واکنش نشان دهند. مدیر شبکه قرآن و معارف سیما دعوت به مناظره حضوری میان علمای حوزه و وهابیان از سوی برنامه «شب آسمانی» را قدم بعدی این شبکه دانست و افزود: دست‌اندرکاران شبکه وهابی کلمه نه تنها مناظره تلویزیونی زنده را نپذیرفتند بلکه به مناظره سیگنال به سیگنال نیز تن ندادند و تنها با اعلام شماره تلفنی خواهان مناظره تلفنی شدند. وی اضافه کرد: مناظره تلفنی و صوتی از نظر ما فاقد هر گونه وجهت و سندیت خواهد بود و نمی‌تواند پاسخگویی مناسبی به نیاز مخاطبان باشد و باید مناظره طبق ضوابط و قواعد مرسوم در حوزه رسانه‌ای انجام گیرد. یادآور می‌شود، برنامه «شب آسمانی» شبه تا سه‌شنبه ساعت ۲۱:۳۰ از شبکه قرآن و معارف سیما پخش می‌شود.

محمد حسین جعفریان

مراقب باشیم به که گل می‌زنیم



پس از موفقیت برنامه نود رسانه ملی گرایش محسوسی نسبت به افزایش کمی برنامه‌های ورزشی در تمام شبکه‌ها داشته است. پیش از آن هم توجه به این مقوله و در رأس آن فوتبال سبب شد تا قیابل عمومی به این عرصه بالا بگیرد. چنان‌که ده‌ها روزنامه و هفته‌نامه و سایت و… ورزشی متولد شدند و شبکه سوم سیما به نوعی از گذشته‌های دور شد. محور این ماجرا فوتبال لیگ‌های معتبر اروپایی زنده، حتی در ساعات پایانی و نیمه شب پخش می‌شد. در درستان نهم بدبهی است توجه رسانه به این مقوله‌نظر یک دومینو، آثار دیگری را به دنبال داشت و فوتبال بالا گرفت. آدمیم و آدمیم تا منتقدان به درستی مشکلات فوتبال و همچنین رویدادها را گوشزد کردند. این انتقادات سبب شد تا مجموع رسانه‌ها درمیان را کمی از فوتبال دور کرده و دیگر ورزش‌ها را اهم رصد کنند. بدبهی است حالا پاسخ منتقدان این بود که ما نگاهمان به کل مقوله ورزش است…! اینکه جوان ما باید سرگرمی داشته باشد. بهتر است پای تماشای فوتبال و لیگ‌های پیشینند برای شهروارد و حواشی‌اش به استنادیم بیاید تا گرفتار اعتیاد شود و… از این حرف‌ها با تمام این حرف و حدیث‌ها ناقصه پدیداست ورزش در عموم رسانه‌های ماهه ویژه رسانه ملی عملاً برایش به فوتبال محدود شده و مابقی در حد حالی نبودن عرضه، عرضه می‌شوند! تصفیرات آنکه در همان ابتدای راه همه ارهاهه با لیگ برترمان می‌رسد و برخی مسابقات اروپایی. کمترین خبری از فوتبال پایه، ساحلی، دانشجویی، شهرستان‌ها و حتی لیگ دسته اولمان است. فوتبال معلولان و ناشنوایان و نابینایان زنان و… هم مانند همین فوتبال لیگ برترمان عموم نگاه‌ها به دو تیم سرخ‌های و تازگی اندکی «ترکتورسازی» و البته تیم ملی است. تا حدی که به طور مثال حتی «طری‌های آب» نوشیده شده بازبینکان یکی از آنها می‌تواند ذقایق طولانی بحث و مناظره در از بهترین ساعات و پریننده‌ترین برنامه یک شبکه مهم تلویزیون به دنبال داشته باشد. همه آونوشتم تا برسم به همین جا که حتی در همین مقوله هم عاقبت به «علیکم بالحواسی» می‌رسیم. اینکه فلان بازیکن شادی پس از گلش چطور است آن یکی چرالش مسایله به آن یکی دیگر تلفن کرده و… بدبهی است در هر مقوله‌ای حواشی برای مخاطب عام جذاب‌تر از متن است. پس بقیه شبکه‌ها و برنامه‌سازی‌ها و حتی دیگر رسانه‌های مکتوب و سایت‌ها و… وقتی دکان سلوغ و پرشتری نود را می‌بینند، آستین بالا می‌زنند تا آنها نیز از همان جنس بیابند و همان سروسوی را به مخاطب بدهند. باشد که کارشان گل کند و بگیرد. نتیجه می‌شود آنکه هر شبکه را می‌زنی، می‌بینی عده‌ای سرگرم سؤال پرسیدن از آقای «روایبان» و «فتح‌الزاده» و… بازار ارسال پیامک و اظهارنظر داغ است. جناب رویابان هم مدعی می‌شود تیمش ۵۰ میلیون طرفدار دارد و باید بیشتر به آنها توجه شود و پول وجدان بدهند. تیم ایی هم می‌گوید: ۴۰ میلیون طرفدار دارد… نمی‌دانم این دوستان چرا نظرم مسئولان اقتصادی دولت سابق مآرأه‌ایشان نیستند. با این وصف دیگران را اصلاحه حساب نمی‌آورند. اچار هر مخاطبی باید همراه شود با این جریان: دقت کنید!من خودم از کسانی بودم که عشقم در میان ورزش‌ها شانا، هندبال و تنیس روی میز بود. در کنار این سه ورزش، شکرز فکری شرط‌نچ را هم خیلی دوست داشتم. اما هیچ برنامه مشخص و درست و درمانی برای دنبال کردن اخبار این ورزش‌ها در رسانه‌ها و خاصه رسانه ملی نبود. همه برنامه‌ها و خبرهای داغ مربوط به فوتبال و ریز و درشت حواشی آن بود. بدبهی است کم‌کم من هم نسبت به اخبار و اتفاقات این عرصه حریص شدم.

حالا من هم یکی از شیفتگان این عرصه و منتظر دوشنبه شب‌هایم. یعنی رسانه ملی مرادنبال خودش کشید و سلیقه‌ام را تغییر داد کاری که با میلیون‌ها نفر دیگر هم کرد. تا اینجا کار درست یا غلط – می‌گمان این نشانیات تصفیراتی در شکل‌دهی به ماجرا بوده – گذشت. درد آن است که هر روز داریم بر این آتش هیزم می‌گذاریم. من سؤال این است که نقطه توقف و حد ما در این عرصه کجاست؟ اینکه شما چه روز ساله در آغوش پدرش پشت در غلای مستعد استادیوم و ازدحام جمعیت بشناسی یا نشان صورتش را به رعایت سبقت به تیمی نقاشی کرده یا بپرز بوشن را نشان دهی که کشته و مرده فلان تیم است و دوشنبه شب‌ها تا صبح خواب ندارد و…! این یعنی چه؟ آیا خودمان می‌فهمیم داریم چه بلایی بر سر خودمان و مخاطب مردم خود می‌آوریم؟ چه نسلیم داریم عمه تلر ما به یک اسنوق و دهیم؟ متوجه هستیم که داریم به نسل جست‌وجوگر نوجوان و جوانان چه آدرسی می‌دهیم؟ حواسمان هست که اولویت‌های کودک‌گلمان را چگونه برایشان تعریف می‌کنیم؟ هیچ‌وقت فکر کرده‌اید اگر رسانه ملی چنین قدرت شفقتی دارد – که دارد – تا ماجرای چنین مهم‌چو را برای کودک‌گلمان تا پیرزنان شهرستانی ما در اولویت نخست فکری آن قرار دهد، چرا از این توان بالقوه برای آموزش و جهت‌دهی مخاطب عام برای ده‌ها عرصه مغفول و رها شده سود نمی‌بریم و در عوض این چنین این توانایی شفقت را هم می‌دهیم و حیرتا که ششادمان را با یکبارز روز به روز جلوتر می‌بریم و از کسی نمی‌کشد. فکر نمی‌کنید هر چیزی حدی دارد؟ فکر نمی‌کنید مناظر دیگری هم برای دیدن هستند که در حال محو و پایدید شدن هستند؟

بعدالتحیر

شاید هنوز هم برخی تا اینجا ی این مطلب یا متوجه جوهر کلام من نشده باشند و یا آنقدر که باید این فاجعه پیش رو را جدی نگرفته و یا از اساس آن را باور نداشته باشند. پس دلم نیامد بدون یک یادآوری تلخ این نوشته را تمام کنم. یکی دو هفته پیش و در پی خداحافظی فرهاد مجیدی که نظر به سن و سالیان بدبهی بود، چند بار دیگر هم خداحافظی کرده بودم و از هفته قبل هم شایع شده بود در این بازی احتمالاً چنین خواهد کرد، یک نوجوان معلول طرفدار استقلال آنقدر خودش را زد و تا دو روز اشک ریخت. لب به غنا نزد و حتی کلمه‌ای از کسی سخن نگفت تا سکنه کرد و جان سپرد. «حمد مظاری یگانه» این نوجوان چهارده – پانزده ساله مصوم که با وجود معلولیت در تمام تمرینات استقلال شرکت می‌کرد در آخرین لحظات زندگی در اتاق C. C. U بیمارستان بوعلی در حالی که نیمه بیهوش بود خواستند نکاری کنند تا تلفنی با آقای مجیدی حرف بزند که پیش از آن روحش به آسمان بر کشید. با نظر شما چرا چنین موضوعی در زندگی این نوجوان ایرانی و هزاران نوجوان چون او تا این حد و درجه مهم می‌شود؟ چه کسی با کسانی و مراکزی که آموزه‌هایی که بسیار برایشان واجب‌تر، مهم‌تر و لازم‌تر است و می‌نمند موضوعی چنین بیش با افتاده را به مسئله مرگ و زندگی در زندگی این بچه‌های معلول تبدیل می‌کند؟ در آرای سوق دادن این بچه‌ها به این امور آنها از چه آموزه‌هایی که بسیار برایشان واجب‌تر، مهم‌تر و لازم‌تر است و می‌نمند یا کمتر به آن می‌پردازند؟ بهتر بگویم رسانه‌ها و محیط در حالی که دم به دم از ریز و درشت حواشی و متن فوتبال به خود آنها می‌دهد، چه چیزهایی را از آنها در می‌گیرد؟ چطور رسانه‌ها و به طبع آن محیط اولویت اول حیات آنها را به فوتبال و خداحافظی یک بازیکن و برد و باخت یک تیم بدل می‌کند؟ آیا پدر این نوجوان حق دارد از رسانه‌هایی که او را به اینجا رسانده شاکی باشد؟ به راستی قائل حقیقی «حمدمظاهری یگانه» کیست؟

پاسخ‌های مستدل برنامه «شب آسمانی» به شبهه‌افکنی‌های فرقه وهابیت در شبکه‌های وابسته به این فرقه ضاله، واکنش برانگیز شد.

به گزارش «جوان» به نقل از روابط عمومی سیما، حسن گروسی مدیر شبکه قرآن و معارف سیما با اعلام این مطلب گفت: پس از آنکه در برنامه «شب آسمانی» به شبیئات

رسانه‌های معاند در خصوص سنت عزاداری ابا عبدالله الحسین (ع) پاسخ داده شد، برخی از این شبکه‌ها مانند شبکه وهابی «کلمه» در برنامه‌های زنده خود واکنش نشان دادند. وی با اشاره به خاستگاه اصلی شبکه وهابی «کلمه» (انگلستان) اضافه کرد: برنامه «شب آسمانی» در چند

فعلاً در تئاتر خبری نیست!

سپیده آماه

این روزها که حدود ۱۰۰ روز از آغاز به کار دولت جدید می‌گذرد، با نگاهی اجمالی به اتفاقات حوزه تئاتر در ۱۰۰ روز اخیر با برخی مؤلفه‌های جدید روبرو و می‌شویم که نوبدبخش آینده‌ای روشن‌تر در عرصه تئاتر کشور است. علی‌مراذخانی که مدت زمان زیادی هم از انتصابش بر مسند معاونت هنری فرهنگ و ارشاد اسلامی نمی‌گذرد، در هفته‌های اخیر امیدهای زیادی به تئاتر ی‌ها در خصوص ساخت سالن‌های تئاتر داده است. تعاملات مراذخانی با مدیران شهرداری در راستای اختصاص واحداث سالن‌های تئاتر، یکی از رخداد‌های امیدبخش هفته‌های اخیر بوده است که در این میان می‌توان به بهره‌برداری از سالن تئاتر شهید آوینی، فرهنگسرای بهمین و تسریع فعالیت برای بهره‌برداری سالن تئاتر فرهنگسرای خاوران پیش از جشنواره تئاتر فجر سال جاری اشاره کرد. چندی پیش هم مراذخانی از ریزنی برای احداث سالن ویژه نمایش‌های آیینی و سنتی خبر داده بود و این طور که معلوم است، ساختمان اداری سنگلج قرار است با هماهنگی شهرداری به سالی‌تری برای اجراهای آیینی بدل شود و از طرف دیگر مراذخانی پیگیری مسئله توسعه تماشاخانه سنگلج که مدت‌ها مطرح شده، بود اما تا امروز به هر حله اجرانرسیده، هم هست. پیگیری ماجرای اداره تئاتر هم دیگر اتفاق صد روزه اخیر در حوزه تئاتر است؛ ساختمان اداره تئاتر که دو سالی است به دلیل بازسازی و تعمیر تعطیل شده و تا به امروز متروکه باقی‌مانده بود، این روزها در راستای بازسازی و احیای دوباره قرار گرفته است. البته اقدامات و اظهار نظرهای مراذخانی که بگذرد، مدیریت انجمن هنرهای نمایشی هنوز هم دست مدیران دولت قبلی است و تغییر چندیانی هم در عملکرد این انجمن در ماه‌های اخیر دیده نمی‌شود. اما این از زبان هنرمندان عرصه تئاتر به گوش می‌رسد، موجد امید است که بر گشوده شدن فضای تئاتر کشور دارند. این روزها پای صحبت هنرمندان عرصه تئاتر که می‌نشینیم همه در رؤیای بهبود وضعیت تئاتر در چهار سال آینده به سر می‌برند، اما تا به امروز تغییر چندیانی در شرایطشان ایجاد نشده است.

البته برخی این مسئله را به دلیل کوتاهی زمانی می‌دانند که از روی کار آمدن معاون هنری جدید گذشته است اما هر روز، ردیف بودجه مجزا برای توسعه سالن‌های تئاتر، همچنان حلقه گمشده هنر نمایش کشور ما است و هنوز هم با وجود پتانسیل‌های فرابنده در عالم تئاتر، کل هنر نمایش ما به چند سالن در تهران و شهرستان‌ها محدود شده که این حجم از سالن در برابر پتانسیل هنرمندان تئاتر قابل قیاس نیست. از سوی دیگر با توجه به اینکه قسمت اعظم بودجه اسمال در دولت پیشین هزینه شده است، گروه‌های مجبور هستند که درآمد خود را از گیشه تأمین کنند. در این بین بافتن‌ده اول و آخر این میدان، تئاتر حرفه‌ای کشور است. به رغم همه این مشکلات اما باز هم چشم همه هنرمندان عرصه

تئاتر به افزایش بودجه

این هنر، رشد سالن‌ها و گشودن عرصه برای فعالیت هنر مندانی است که به دلیل برخی برخورد‌های سلیقه‌ای از صحنه‌های نمایش دور مانده بودند.

دغدغه‌های کاغذی

محمد صادق عابدینی

ممیزی، کلیدواژه‌ای که می‌توان تحلیل عملکرد دولت یازدهم را در حوزه کتاب با آن آغاز کرد. کتاب، قدیمی‌ترین و مهم‌ترین کالای فرهنگی است که دولت‌ها تلاش‌های مستمری برای ارتقای جایگاه آن در سطح جامعه داشته‌اند. اما هر دولت با سیاست‌های مشخصی در حوزه کتاب خود را نسبت به اسلافش متمایز می‌کند. دولت دهم در حالی به کار خود پایان داد که قیمت کاغذ با رشد ناگهانی خود معادلات فرهنگی را به هم ریخت و کتاب و مجله را لوکس نشان داد. در این شرایط، بعد از گذشت چند ماه به در رأس آنها نشر چشمه، از جمله اقدامات شاخص دولت پیشین در حوزه کتاب بوده؛ اقدامی که در زمان خود به حد کافی خیرساز شد و زمینه‌ساز برای ایجاد یک چالش فرهنگی در دولت جدید به هم ارائه کرد. دولت یازدهم نشان داده است که از نظر دیدگاه اخلاقی، نظر فرهنگی فاحشی نسبت به دولت دهم دارد. وزارت ارشاد نیز تلاش خود را برای پاک کردن اقدامات وزیر قبلی انجام می‌دهد به طوری که حتی در همان روزهای ابتدایی انگشت اشاره خود را روی ممیزی کتاب گذاشت و خواستار تغییر در روند ممیزی کتاب شد. این تغییرات با پیشنهاد حذف ممیزی پیش از نشر آغاز شد. در مورد نشر چشمه، دولت یازدهم تغییرات را به اسلافش منتقدان سرسختی نیز دارد که به خوبی به ایرادات قانونی کاهش ممیزی واقتف شده هستند. در مورد نشر چشمه نیز افتخاری درباره محتوای برخی از آثار منتشر شده توسط آن مؤسسه که حاوی مطالب خلاف اخلاق و شئونات اجتماعی است، فضا را برای مانورهای بیشتر گرفته است. در این حالت بهتر است دولت توان خود را در راه‌های چون ایجاد زمینه افزایش سرانه مطالعه، نهایی شدن محل دائمی نمایشگاه کتاب و کمک به کاهش آثار زیانبار قیمت بالای کاغذ صرف کند. کنایه‌خوانی هنوز به فرهنگی عمومی تبدیل نشده است، نمایشگاه کتاب سال‌هاست که مستاجر فصلی مصلاي تهران است و از همه سخت‌تر، تهیه کتاب‌های گرانقیمت برای دوستداران مطالعه است. اگر وزیر دغدغه‌های خود را به جای تمرکز در ممیزی صرف ای‌تور می‌کرد، ما امید بیشتری به آینده داشتیم.

روز ابتدایی کار دولت است. هر چند می‌توان از رشد ورود گردشگر خارجی به کشور و شکسته شدن یک رکورد تاریخی در این حوزه، شناسایی پیش از ۵۰ دفتر خدمات مسافرتی غیر مجاز در کشور، برگزاری همایش گردشگری الکترونیک و نیز تشکیل کمیته‌ای فنی برای پیشبرد هدف لغو وروداید با سایر کشورها به عنوان پیشرفت‌های محسوس حوزه گردشگری در ۱۰۰ روز گذشته یاد کرد. از دیگر اتفاقات مهم گردشگری در این مدت می‌توان به انتصاب مرتضی رحمانی موحد به عنوان معاون جدید گردشگری کشور اشاره کرد که برخلاف تصورهای بیش از هر چیز یک دیپلمات است تا آنکه بخواهد تجربه عملکردی در حوزه صنعت گردشگری داشته باشد.

در کنار گردشگری حوزه میراث فرهنگی نیز بیش از هر چیز با جام شیردل و حواشی اصل یا جعل بودن آن جریان‌ساز شد. این هدیه جنینالی با سفر محمدعلی نجفی به امریکا برای ریزنی با مسئولان مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو در خصوص استرداد الواح

چیزی در کار نیست.